



حزب تمدن نوین اسلامی

دبیرکل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جناب آقای دکتر مسعود پزشکیان

ریاست محترم جمهور

سلام علیکم

اظهارات اخیر وزیر اقتصاد درباره نامتناسب بودن نرخ بهره بانکی فعلی با نرخ تورم و احتمال حرکت سیاست‌گذار به سمت افزایش نرخ بهره، نگرانی‌هایی جدی درباره وارد آمدن یک ضربه کاری دیگر بر پیکر زخمی اقتصاد کشور ایجاد کرده است.

تورم امروز کشور، پیش از آنکه محصول کمبود نرخ بهره یا وفور اعتبار تولیدی باشد، حاصل افزایش نرخ ارز و دلاری شدن قیمت کالاها و مواد اولیه داخلی است. در چنین وضعی، تولیدکننده برای ادامه همان سطح تولید گذشته، ناچار به نقدینگی بیشتر می‌شود؛ این نقدینه‌خواهی، معلول گرانی ارز و نهاده‌هاست، نه علت تورم.

از این رو، افزایش نرخ بهره بانکی در شرایط فعلی، به جای مهار تورم، هزینه مالی تولید را افزایش داده و موج تازه‌ای از گرانی، رکود، بدهی و فشار معیشتی ایجاد خواهد کرد. تورمی که از مسیر ارز و قیمت‌گذاری دلاری پدید آمده، با گران کردن پول درمان نمی‌شود.

حزب تمدن نوین اسلامی ضمن تقدیم پیوست تحلیلی حاضر، از جنابعالی درخواست می‌کند دستور فرمایید هرگونه تصمیم برای افزایش نرخ بهره متوقف شده و مهار تورم از مسیر ریشه‌ای آن، یعنی تثبیت نرخ ارز، دلارزدایی از قیمت‌گذاری مواد اولیه، تأمین نقدینگی مولد و کنترل اعتبار سوداگرانه دنبال شود.

سید یاسر جبرائیلی

بسمه تعالی

## پیوست تحلیلی - راهبردی

### هشدار درباره افزایش نرخ بهره بانکی در شرایط تورم ارزی و دلاری شدن قیمت‌ها

#### مسئله اصلی: خطای تشخیص منشأ تورم

در سال‌های اخیر، اقتصاد ایران با تورمی سنگین مواجه شده است. اما یکی از اصلی‌ترین خطاهای سیاستی آن بوده که این تورم، صرفاً یا عمدتاً به رشد نقدینگی نسبت داده شده و سپس نسخه مهار آن، انقباض پولی و افزایش نرخ بهره بانکی معرفی گردیده است. در سال ۱۴۰۱، همین خطا صورت گرفت و نرخ بهره بانکی از ۱۸ درصد به ۲۳ درصد افزایش یافت، اما نه تنها بحران را حل نکرد، بلکه آن را تشدید نمود.

تورم امروز ایران، پیش از آنکه از جانب تقاضای مازاد مردم یا رشد طبیعی اعتبار تولیدی ایجاد شده باشد، از دو مسیر اصلی بر اقتصاد تحمیل شده است: نخست، افزایش نرخ ارز که مستقیماً قیمت کالاهای وارداتی، تجهیزات، قطعات، دارو، نهاده‌های کشاورزی، ماشین‌آلات و بسیاری از کالاهای واسطه‌ای را افزایش داده است. دوم، جهانی‌سازی و دلاری‌سازی قیمت مواد اولیه داخلی؛ به این معنا که بسیاری از مواد اولیه تولیدشده در داخل کشور، از فولاد و محصولات پتروشیمی تا فرآورده‌های پالایشی، معدنی و فلزی، نه بر اساس هزینه واقعی تولید در ایران، بلکه بر اساس قیمت جهانی ضرب در نرخ ارز قیمت‌گذاری می‌شوند. در چنین ساختاری، افزایش نرخ ارز فقط قیمت کالای خارجی را بالا نمی‌برد؛ بلکه قیمت کالای ایرانی، ماده اولیه ایرانی و نهاده داخلی را نیز برای تولیدکننده ایرانی افزایش می‌دهد. این همان نقطه‌ای است که تورم ارزی به تورم عمومی تبدیل می‌شود.

#### نقدینه‌خواهی تولید، معلول تورم ارزی است نه علت آن

پس از افزایش نرخ ارز و افزایش قیمت مواد اولیه، بنگاه تولیدی برای ادامه فعالیت خود به سرمایه در گردش بیشتری نیاز پیدا می‌کند. تولیدکننده‌ای که پیش‌تر با یک میزان مشخص نقدینگی می‌توانست مواد اولیه، دستمزد، حمل‌ونقل، انرژی، قطعه و هزینه‌های جاری را تأمین کند، اکنون برای تولید همان مقدار محصول، چند برابر نقدینگی لازم دارد.

این افزایش نیاز به نقدینگی را نباید با «علت تورم» اشتباه گرفت. در اینجا نقدینگی خواهی بنگاه، واکنش پسینی به گرانی ارز و مواد اولیه است. اگر سیاست‌گذار این واقعیت را نبیند و تصور کند که چون تقاضای تسهیلات بالا رفته، پس باید با افزایش نرخ بهره و محدودسازی اعتبار، تورم را مهار کند، در حقیقت معلول را به جای علت می‌نشانند.

تولیدکننده در این شرایط از بانک پول نمی‌خواهد تا تورم ایجاد کند؛ پول می‌خواهد تا زیر بار تورمی که قبلاً از مسیر ارز و مواد اولیه بر او تحمیل شده، زنده بماند. خانوار نیز در چنین وضعی از سر زیاده‌خواهی مصرفی متقاضی اعتبار نیست؛ بلکه برای جبران سقوط قدرت خرید، هزینه مسکن، درمان، آموزش، خوراک و نیازهای ضروری خود محتاج نقدینگی می‌شود.

بنابراین سیاست انقباضی کور، در چنین شرایطی، نه درمان تورم، بلکه تشدیدکننده بحران تولید و معیشت است.

### **افزایش نرخ بهره؛ افزودن هزینه مالی به هزینه ارزی**

وقتی دولت نرخ ارز را افزایش داده و هم‌زمان نظام قیمت‌گذاری مواد اولیه داخلی را به نرخ ارز و قیمت جهانی گره زده است، تولیدکننده با افزایش شدید هزینه نهاده‌ها روبه‌رو می‌شود. اگر در این مرحله نرخ بهره نیز افزایش یابد، یک لایه جدید از هزینه بر تولید تحمیل خواهد شد: هزینه مالی.

در این صورت، قیمت تمام‌شده کالا از سه ناحیه بالا می‌رود:

۱- افزایش قیمت کالاها و نهاده‌های وارداتی؛

۲- افزایش قیمت مواد اولیه داخلی به دلیل دلاری‌سازی قیمت‌ها؛

۳- افزایش هزینه تأمین مالی به دلیل بالا رفتن نرخ بهره بانکی.

نتیجه چنین سیاستی روشن است: یا تولیدکننده قیمت کالای خود را بالا می‌برد، یا تولید را کاهش می‌دهد، یا بدهکار و ورشکسته می‌شود. در هر سه حالت، مردم زیان می‌بینند. اگر قیمت بالا برود، تورم تشدید می‌شود. اگر تولید کاهش یابد، کمبود و رکود ایجاد می‌شود. اگر بنگاه تعطیل شود، بیکاری و بحران اجتماعی پدید می‌آید.

افزایش نرخ بهره در اقتصاد هزینه‌محور، به‌ویژه در اقتصادی که قیمت نهاده‌های آن دلاری شده، الزاماً ضدتورمی نیست؛ بلکه می‌تواند خود به عامل تورم‌زا تبدیل شود. زیرا بهره بانکی برای تولیدکننده، بخشی از هزینه تولید است و دیر یا زود به قیمت کالا منتقل می‌شود.

### **خطر تبدیل سیاست ضدتورمی به سیاست ضدتولیدی**

نسخه افزایش نرخ بهره معمولاً با این استدلال ارائه می‌شود که اگر نرخ سود بانکی از تورم پایین‌تر باشد، تقاضای اعتبار افزایش می‌یابد و نقدینگی رشد می‌کند. این استدلال، در ظاهر ساده و جذاب است؛ اما در شرایط کنونی ایران، چند واقعیت اساسی را نادیده می‌گیرد.

اولاً بخش مهمی از تقاضای اعتبار، تقاضای تولیدی و ضروری است، نه سفته‌بازانه. تولیدکننده برای سرمایه در گردش، کشاورز برای نهاده، خانوار برای نیازهای ضروری، و بنگاه کوچک برای ادامه فعالیت به نقدینگی نیاز دارد. ثانیاً نرخ بهره بالا، مسیر تأمین مالی تولید را می‌بندد، اما الزاماً مسیر سوداگری را نمی‌بندد. صاحبان رانت، دارندگان دارایی، فعالان بازار ارز، طلا، زمین و سفته‌بازان بزرگ، در بسیاری موارد از مسیرهای غیرشفاف و

امتیازی تأمین مالی می‌شوند؛ اما تولیدکننده واقعی و مصرف‌کننده عادی با نرخ‌های رسمی و سنگین مواجه می‌گردد. ثالثاً افزایش نرخ بهره، انگیزه بانک‌ها را برای حرکت به سمت فعالیت‌های مالی، بنگاه‌داری، خرید دارایی و کسب سود بدون تولید افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی، نظام بانکی به جای پشتیبان تولید، به رقیب تولید تبدیل می‌شود.

بنابراین اگر سیاست پولی به جای تفکیک نقدینگی مولد از نقدینگی سوداگرانه، همه نقدینگی را یکسان ببیند، نتیجه آن فشار بر تولید و مردم، و رهاسدن رانت و سوداگری خواهد بود.

### **خطای بزرگ: درمان تورم ارزی با داروی رکود پولی**

تورم ناشی از افزایش نرخ ارز و دلاری‌شدن قیمت مواد اولیه را نمی‌توان با گران کردن پول درمان کرد. این کار شبیه آن است که بیماری از محل مسمومیت دچار تب شده باشد، اما طبیب به جای خارج کردن ماده مسموم از بدن، جریان خون را کندتر کند.

وقتی قیمت فولاد، پتروشیمی، مواد معدنی، فرآورده‌های پالایشی و نهاده‌های داخلی با نرخ ارز بالا می‌رود، افزایش نرخ بهره هیچ‌کدام از این ریشه‌ها را اصلاح نمی‌کند. نه نرخ ارز را تثبیت می‌کند، نه فرمول قیمت‌گذاری مواد اولیه را اصلاح می‌کند، نه هزینه نهاده را پایین می‌آورد، نه قدرت خرید مردم را حفظ می‌کند. فقط هزینه تأمین مالی را افزایش می‌دهد.

ممکن است در کوتاه‌مدت، با فشار بر تقاضا، رکود و کاهش خرید مردم، آهنگ برخی قیمت‌ها کند شود؛ اما این کاهش ظاهری، موفقیت نیست. مهار تورم از مسیر فقیرتر کردن مردم، تعطیل کردن تولید و قفل کردن اعتبار، سیاست ضدتورمی مطلوب نیست. چنین رویکردی تورم را به رکود، رکود را به بیکاری، و بیکاری را به نارضایتی اجتماعی تبدیل می‌کند.

### **ریشه تورم کجاست؟**

ریشه تورم کنونی را باید در چند حلقه به هم پیوسته دید:

- ۱- افزایش نرخ ارز و کاهش ارزش ریال؛
- ۲- تبعیت نرخ‌های رسمی از نرخ‌های بازار غیررسمی و سوداگرانه؛
- ۳- قیمت‌گذاری مواد اولیه داخلی بر اساس قیمت جهانی ضربدر نرخ ارز؛
- ۴- افزایش هزینه تولید و نیاز بنگاه‌ها به سرمایه در گردش؛
- ۵- انتقال هزینه به قیمت مصرف‌کننده؛
- ۶- افزایش نیاز خانوار به اعتبار برای حفظ سطح حداقلی زندگی؛

۷- افزایش نرخ بهره و تبدیل هزینه مالی به موج جدید گرانی؛

۸- کاهش تولید، کاهش عرضه و تشدید فشار تورمی.

تا زمانی که این زنجیره شکسته نشود، سیاست‌های مقطعی مانند افزایش نرخ بهره، بسته‌های حمایتی، تعزیر تولیدکننده نهایی یا توزیع یارانه پسینی، فقط آثار تورم را جابه‌جا می‌کنند و ریشه آن را باقی می‌گذارند.

### راهکار اصلی: تثبیت نرخ ارز و دلارزدایی از قیمت‌گذاری مواد اولیه

راه مهار ساختاری تورم در ایران، از مسیر افزایش نرخ بهره نمی‌گذرد؛ از مسیر بازگرداندن حاکمیت به نرخ ارز و حاکمیت ریال به قیمت‌گذاری داخلی می‌گذرد.

دولت باید به‌جای پذیرش منطق بازار آزاد ارز و تعقیب نرخ‌های غیررسمی، نرخ ارز را در عددی متناسب با بنیان‌های واقعی اقتصاد کشور تثبیت کند. این تثبیت باید با لوازم آن همراه باشد: بازگشت کامل ارز صادراتی، جلوگیری از نگهداری ارز خارج از چرخه رسمی، تخصیص ارز بر اساس اولویت‌های ملی، کنترل تقاضای سوداگرانه و ممانعت از تبدیل بازار غیررسمی به مرجع سیاست رسمی.

هم‌زمان باید فرمول قیمت‌گذاری مواد اولیه داخلی اصلاح شود. مواد ایرانی نباید برای تولیدکننده ایرانی با منطق قیمت جهانی ضربدر نرخ ارز قیمت‌گذاری شود. نفت، گاز، فرآورده‌های پالایشی، محصولات پتروشیمی، فلزات، محصولات معدنی و سایر نهاده‌های داخلی باید بر اساس فرمولی ریالی قیمت‌گذاری شوند که شامل حقوق عمومی و مالکانه، هزینه واقعی تولید، هزینه سربار، دستمزد، استهلاک و سود معقول باشد.

وقتی ماده اولیه ایرانی از منطق دلار خارج شود، هزینه تولید کاهش می‌یابد، نیاز به سرمایه در گردش کم می‌شود، فشار بر بانک‌ها کاهش می‌یابد، قیمت مصرف‌کننده مهار می‌شود و اعتماد به ریال بازمی‌گردد.

### نقدینگی باید هدایت شود، نه کورکورانه سرکوب

حزب تمدن نوین اسلامی تأکید می‌کند که دفاع از تأمین نقدینگی تولیدی به معنای دفاع از خلق پول بی‌ضابطه، رانت بانکی یا اعتبار سوداگرانه نیست. اتفاقاً یکی از خطاهای جدی سیاست پولی در کشور، ناتوانی در تفکیک نقدینگی مولد از نقدینگی غیرمولد است.

نقدینگی مولد، سرمایه در گردش تولید، تأمین مالی زنجیره کالاهای ضروری، اعتبار خرید مواد اولیه، تسهیلات تولید کشاورزی، حمایت از صنایع پایین‌دستی و اعتبار ضروری خانوار است. نقدینگی سوداگرانه، اعتباری است که به بازار ارز، طلا، زمین، مسکن سرمایه‌ای، واردات غیرضروری، سفته‌بازی، بنگاه‌داری بانکی، خرید دارایی و فعالیت‌های غیرمولد منتقل می‌شود. سیاست درست آن نیست که هر دو را با یک تیغ ببرد. سیاست درست، گشودن مسیر نقدینگی مولد و بستن مسیر نقدینگی سوداگرانه است. بانک باید در خدمت تولید و معیشت باشد، نه در خدمت خلق سود مالی از رنج تولیدکننده و نیاز مصرف‌کننده. کشور چین، ظرف ۱۵ سال بالغ بر ۳۰ هزار

میلیارد دلار تسهیلات با نرخ بهره پائین به تولید داده و نه تنها تورم ایجاد نشده، بلکه ظرفیت‌های بالقوه تولید، بالفعل شده و این کشور را در جایگاه دومین اقتصاد برتر جهان نشانده است.

## پیشنهاد های فوری

حزب تمدن نوین اسلامی پیشنهاد می‌کند دولت محترم، به فوریت اقدامات زیر را در دستور کار قرار دهد:

- ۱- توقف هرگونه تصمیم برای افزایش نرخ بهره بانکی به‌عنوان نسخه اصلی کنترل تورم؛
- ۲- اعلام رسمی اینکه تورم ارزی و دلاری شدن قیمت مواد اولیه با سیاست انقباضی درمان نمی‌شود؛
- ۳- تشکیل ستاد مهار ساختاری تورم با محوریت تثبیت نرخ ارز، اصلاح قیمت‌گذاری مواد اولیه و تأمین مالی تولید؛
- ۴- توقف تبعیت نرخ‌های رسمی ارز از بازار غیررسمی و سوداگرانه؛
- ۵- الزام کامل بازگشت ارز صادراتی به چرخه رسمی اقتصاد کشور؛
- ۶- بازنگری فوری در فرمول قیمت‌گذاری داخلی فولاد، پتروشیمی، پالایشی، معدنی و سایر مواد اولیه؛
- ۷- جایگزینی فرمول ریالی «حقوق مالکانه + هزینه واقعی تولید + سربار + دستمزد + سود معقول» به جای فرمول قیمت جهانی ضرب در نرخ ارز؛
- ۸- طراحی خط اعتباری ارزان، هدفمند و نظارت‌شده برای سرمایه در گردش تولیدکنندگان واقعی؛
- ۹- اعمال کنترل سختگیرانه بر تسهیلات سوداگرانه در بازار ارز، طلا، زمین، مسکن سرمایه‌ای و واردات غیرضروری؛
- ۱۰- کاهش هزینه مالی تولید از طریق محدودکردن حاشیه سود بانکی، بازسازی بدهی بنگاه‌های تولیدی و اولویت‌دادن به زنجیره کالاهای اساسی؛
- ۱۱- منع قراردادهای داخلی دلاری یا شاخص‌شده با ارز در دولت، شرکت‌های دولتی و پیمانکاران داخلی؛
- ۱۲- ارائه گزارش شفاف به مردم درباره سهم افزایش نرخ ارز و قیمت‌گذاری دلاری مواد اولیه در تورم کالاهای مصرفی.

## پیشنهاد راهبردی: تغییر ریل سیاست ضدتورمی

دولت محترم باید از الگوی «مهار تورم با گران کردن پول» به الگوی «مهار تورم با ارزان کردن تولید» منتقل شود. ارزان کردن تولید به معنای رانت‌پاشی نیست؛ یعنی قطع رانت دلاری مواد اولیه، تثبیت نرخ ارز، کاهش هزینه مالی، تأمین نقدینگی مولد، مهار سوداگری و بازگرداندن ریل به جایگاه معیار سنجش اقتصاد داخلی.

دولت نباید اجازه دهد تورمی که از محل افزایش نرخ ارز و قیمت‌گذاری دلاری ایجاد شده، بهانه‌ای برای افزایش نرخ بهره و تحمیل موج جدیدی از هزینه بر تولید و مردم شود. چنین تصمیمی، خطای دوم پس از خطای اول است: خطای اول، افزایش نرخ ارز و دلاری‌کردن قیمت‌هاست؛ خطای دوم، گران کردن پول برای مهار تورمی است که همان خطای اول پدید آورده است.

## سخن پایانی

جناب آقای رئیس‌جمهور؛

اقتصاد ایران امروز در نقطه‌ای ایستاده است که ادامه نسخه‌های متعارف و ترجمه‌ای، می‌تواند کشور را به چرخه‌ای فرساینده از تورم، رکود، بی‌اعتمادی و نارضایتی وارد کند. مردم از دولت انتظار دارند ریشه گرانی را ببینند، نه اینکه هزینه آن را دوباره بر دوش آنان بگذارد.

تورمی که از مسیر نرخ ارز و دلاری‌شدن مواد اولیه ایجاد شده، با افزایش نرخ بهره درمان نمی‌شود. افزایش نرخ بهره در چنین شرایطی، هزینه تولید را بالا می‌برد، قیمت‌ها را افزایش می‌دهد، بنگاه‌ها را بدهکارتر می‌کند، مصرف‌کننده را فقیرتر می‌سازد و بانک را بر تولید مسلط‌تر می‌کند.

راه درست، تثبیت نرخ ارز، دلارزدایی از قیمت‌گذاری مواد اولیه، تأمین نقدینگی مولد، کنترل نقدینگی سوداگرانه، کاهش هزینه مالی تولید و احیای حاکمیت ریال است.

حزب تمدن نوین اسلامی هشدار می‌دهد که افزایش نرخ بهره بانکی در شرایط فعلی، نه تنها درمان تورم نیست، بلکه می‌تواند مرحله تازه‌ای از تورم هزینه تازه‌ای از تورم هزینه‌ای، رکود تولیدی و فشار معیشتی را آغاز کند. اکنون زمان آن است که دولت، به جای حرکت در مسیر سیاست پولی انقباضی، شجاعانه ریشه دلاری و ارزی تورم را هدف بگیرد و اقتصاد ایران را از بند قیمت‌گذاری جهانی و سلطه نرخ ارز بر زندگی مردم آزاد کند.